

## ارزیابی تحلیلی و تطبیقی ادله و مستندات زیارت قبور توسط زنان از منظر مذاهب اسلامی و وهابیان با تأکید بر آراء ابن تیمیه

bahrame1918@gmail.com

حمزه علی بهرامی / استادیار و عضو هیئت علمی دانشگاه اصفهان

پذیرش: ۹۵/۳/۲۹

دریافت: ۹۴/۱۲/۲

### چکیده

یکی از تحولات معاصر رشد بی‌رویه گروه‌های تندرو سلفی و تکفیری به ظاهر مسلمان، با نام «وهابی» یا «داعشی» است. زن در عقیده این گروه، جایگاهی سخیف و غالباً محروم از حقوقی مساوی با مردان دارد. متأسفانه سلفی‌ها عقاید خود را به نام «توحید محض» و اسلام راستین، و عقاید سایر مسلمانان و مخالفان خود را بدعت و شرک و کفر معرفی می‌کنند. یکی از مظاهر و مصادیق این ظلم و انحراف، ممنوع و حرام بودن زنان از زیارت قبور و تشییع جنازه است. برجسته‌ترین رهبر فکری و مبدع عقاید این فرقه، ابن تیمیه می‌باشد. این مقاله با مطالعه‌ای اسنادی، تحلیلی و تطبیقی در منابع ابن تیمیه و اهل سنت، به دنبال کشف واقعی حکم زیارت قبور توسط زنان در قرآن، سنت و سیره سلف است.

بر همین اساس، پس از توصیف و ارزیابی دیدگاه و مستندات ابن تیمیه و سامان‌دهی ادله و مستندات جواز زیارت قبور توسط زنان و دیدگاه مذاهب چهارگانه اهل سنت، در پایان، به این نتیجه می‌رسد که ضمن ضعیف و غیرقابل استناد بودن ادله ابن تیمیه و پیروان او، ادله فراوانی مبنی بر جواز زیارت قبور زنان وجود دارد.

**کلیدواژه‌ها:** زیارت قبور، زنان، ابن تیمیه، اهل سنت.

## مقدمه

هشتم زندگی می‌کرد. در کتاب *الحمویة الکبری*، او با عقاید عمومی اهل سنت اشعری به مخالفت پرداخت و در کتاب‌های *منهاج السنة النبویة* و *الزیارة* عقاید خاصی درباره زیارت قبور، توسل، شفاعت و تقدیس اولیا مطرح کرد که به زندانی شدنش نیز انجامید (هنری لائوست، ۱۳۸۴، ص ۳۴۶). باگذشت زمان، سه ضلع شوم استعمار نوین در سایه حمایت امپراتوری بریتانیا از خاندان آل سعود و محمد بن عبدالوهاب در ابعاد نظامی، عقیدتی، سیاسی و اقتصادی، گروهی با نام «وهابیون» یا «سلفیون» به وجود آوردند که امروزه از این فرقه با نام «تکفیریون» یاد می‌کنند.

این فرقه با تحریف واژه «سلف» و با یدک کشیدن آن، هنگام اختلاف با دیگر مذاهب اسلامی، به تکفیر دیگر مذاهب اسلامی، به ویژه شیعه، در حوزه‌های گوناگون احکام دینی و فقهی فتوا می‌دهند. یکی از ده‌ها موضوعات محل نزاع بین گروه‌های سلفی تکفیری به رهبری ابن تیمیه با سایر مذاهب اسلامی و شیعه، مسئله زنان، شأن و منزلت آنها در هستی، و میزان و حدود مشارکت آنها در فعالیت‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی است. نگاه پیروان ابن تیمیه با نام «وهابیون» به زن همانند عصر جاهلیت است. زنان در این جوامع، از ابتدایی‌ترین حقوق انسانی همچون حق رأی، حق انتخاب شدن، حق رانندگی و مانند آن محرومند. از دیگر مظاهر و مصادیق حضور زنان در عرصه‌های عبادی - اجتماعی مسئله اقامه نماز میت برای جنازه، مسئله زیارت قبور و تشییع جنازه است که در نظر این فرقه، زنان نباید در آن مشارکت داشته باشند.

نزد مذاهب اربعه اسلامی و شیعیان، جواز زیارت قبور توسط زنان، به ویژه قبور انبیا و اولیای الهی، مشهور و

اسلام در سرزمینی پا به عرصه وجود گذاشت که دارای مردمانی خشن و به دور از فرهنگ و تمدن بودند. قرآن از این دوران با نام «عصر جاهلیت» یاد می‌کند (مائده: ۵۴؛ احزاب: ۳۳؛ فتح: ۲۶). عصر جاهلیت ویژگی‌ها و خصایصی منحصر به خود دارد. یک نمونه از عقاید دوران جاهلیت نوع نگاه آنها به جنس زن و منزلت او در آفرینش است. به تصریح قرآن، آنان دختران را «فرزندان خدا» و پسران را فرزندان خود می‌خواندند و هرگاه به آنها مژده دختردار شدن می‌دادند از شدت خشم، چهره‌شان سیاه و درونشان از غصه و اندوه لبریز می‌شد. از بدی حادثه و شرمساری، از قوم و قبیله خود پنهان می‌شدند و در این فکر فرو می‌رفتند که آیا آن دختر را با خواری تمام نگه دارند یا زنده به گورش کنند؟ خداوند با تخطئه این فکر می‌گوید آگاه باشید که بد داوری می‌کنند (نحل: ۵۸). با ظهور پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، زنان ارزشمند خوانده شدند؛ به حقوقی مساوی با مردان و به مقام ام‌ابیهایی رسیدند. خداوند آنان را در عرض پیامبرش، مطهر و معصوم قرار داد (احزاب: ۳۳). دعای زنان را مستجاب (آل عمران: ۶۱) و سوره‌هایی در فضیلت آنها نازل کرد (سوره کوثر).

پس از رحلت پیامبر و با کنار رفتن اهل بیت علیهم السلام بدعتی در دین حاصل و نطفه بازگشت به عصر جاهلیت بسته شد و در کمتر از سی سال، مدافعان سرسخت جاهلیت همچون معاویه و بنی امیه بر مسند رسول خدا تکیه زدند و از مفسران دین شدند. به تدریج، فرقه‌ای با نام «اهل حدیث»، که خود را «سلفی» می‌نامیدند، شکل گرفت. باگذشت زمان، این فرقه تکامل یافت، تا اینکه در قرن هشتم، با ظهور شخصی به نام ابن تیمیه حرانی دمشقی به اوج خود رسید و نظام‌مند گردید. وی یکی از فقها و متکلمان حنبلی مذهب بود که در قرن هفتم و

کرده‌ایم. سپس ادله‌ی روایی جواز زیارت قبور زنان مطرح و در نهایت، فتوای مذاهب چهارگانه موضوع بحث قرار گرفته است. مقاله در پایان، به این نتیجه می‌رسد که ادله‌ی فراوانی دال بر جواز و مشروعیت زیارت قبور زنان وجود دارد که تکفیری‌ها را در اثبات ادعای بدون دلیل خویش، با چالش جدی مواجه می‌سازد. با بررسی دلایل بحث، معلوم خواهد شد که اولاً، عقیده‌ی وهابیان عقیده‌ی جامعه اسلامی و اهل سنت نیست. ثانیاً، اسلام دین رحمت و مهربانی است و زنان همپای مردان از شرافت و کرامت برخوردارند.

#### دیدگاه ابن تیمیه در باب زیارت قبور

در دیدگاه ابن تیمیه، زیارت قبور صحیح نیست. او همه‌ی احادیثی را که در زمینه‌ی مشروعیت زیارت قبور نقل شده است ضعیف و مردود می‌داند. وی با انکار برآورده شدن حواجی در زیارت قبر اولیا، این اعتقاد را شرک به خداوند می‌داند. ابن تیمیه سفر برای زیارت قبور، حتی قبر پیامبر را حرام می‌داند. سفر به قصد زیارت تمام مقامات منصوب به انبیا و صالحان، مشاعری مانند کوه طور، غار حراء و غار ثور در حکم زیارت قبور است. نذر برای زیارت چنین مکان‌هایی واجب‌الوفاء نیست. از نگاه او، چنین سفری سفر معصیت است و مسافر باید نمازش را کامل بجای بیاورد (ابن تیمیه، ۱۹۸۷، ج ۲، ص ۴۲۴-۴۴۴؛ همو، ۲۰۰۵، ج ۱، ص ۲۳۵؛ ج ۴، ص ۵۲۰؛ ج ۱۸، ص ۳۴۲؛ ج ۲۷، ص ۱۱۹ و ۲۶۷). آنچه‌آن‌که از بیان ابن تیمیه برمی‌آید، سفر کردن به قصد زیارت قبری و دعا و عبادت کردن در کنار آن قبر و درخواست کمک از آن جایز نیست. ابن تیمیه زیارت قبور را منفعت رساندن زنده به صاحب قبر می‌داند، نه بعکس (ابن تیمیه، ۱۴۱۰ق، ص ۱۶).

ابن تیمیه در توجیه و جواب علمایی که زیارت قبر پیامبر را مستحب می‌دانند، می‌نویسد: منظور آنها زیارت

بلکه سنت و مستحب است. اینان بر باورهای دینی خود، ادله‌ی کافی از کتاب و سنت و سیره ارائه داده‌اند، لیکن تکفیری‌ها به‌زعم خود، به نمایندگی از اهل تسنن، بر این باورند که مطلقاً زیارت قبور، دعا و تبرک به قبور انبیا و اولیا، به‌ویژه برای زنان حرام و زائران این قبور مشرک به حساب می‌آیند. وهابی‌ها با این خیال خام، زنان را از زیارت قبور ائمه بقیع علیهم‌السلام محروم می‌کنند و به آنها اجازه‌ی زیارت این قبور را نمی‌دهند.

نظر به اینکه اصلی‌ترین نظریه‌پرداز تفکر وهابیت کسی جز ابن تیمیه نیست، منشأ تفکر وهابی‌ها را باید در فتاوی او جست‌وجو کرد. به بیان دیگر، عقیده‌ی وهابی‌ها و سلفی‌ها همان عقیده‌ی ابن تیمیه است. با این بیان، مقاله حاضر می‌کوشد مسئله‌ی مهم زیارت قبور و تشییع جنازه توسط زنان را که ابن تیمیه بارها مطرح کرده و زائران قبور ائمه بقیع علیهم‌السلام را به شرک متهم نموده است بپردازد. بررسی ادله‌ی ابن تیمیه و مقایسه آن با دیدگاه‌های فرق اهل سنت نشان می‌دهد که فتاوی او در چه حدی از اتقان قرار دارد. در خصوص فتاوی ابن تیمیه، این سؤال مطرح است که آیا او دلیلی هم دارد؟ بنابراین، مسئله‌ی اصلی این است که آیا زیارت قبور و تشییع جنازه توسط زنان واقعاً حرام و شرک است؟ آیا ادله‌ای از کتاب، سنت و سیره برای جواز زیارت قبور زنان وجود دارد؟ آیا سلفی‌های تکفیری و پیروان ابن تیمیه می‌توانند خود را نماینده‌ی جامعه‌ی اهل تسنن معرفی کنند؟ و آیا تمام اهل سنت و فقیهان مذاهب چهارگانه با مشرب آنان در این مسئله هم‌نظر هستند؟

برای پاسخ‌گویی به سؤال‌های مطرح‌شده در مقاله، با روشی کتابخانه‌ای - اسنادی به بررسی کامل منابع و آثار معتبر ابن تیمیه و اهل سنت در این زمینه پرداخته‌ایم و سپس به دیدگاه و برخی از مهم‌ترین ادله‌ی ابن تیمیه اشاره

مشکلاتش را حل کند (ابن تیمیه، ۱۹۸۷، ج ۲، ص ۴۲۴-۴۴۴؛ همو، ۲۰۰۵، ج ۱، ص ۲۳۶). ابن تیمیه زیارت قبور انبیا و صالحین را از نوع زیارت قبور بدعی و شرک می‌داند (ابن تیمیه، ۱۹۸۷، ج ۳، ص ۶۰).

یکی از انتقاداتی که به ابن تیمیه وارد است همین تقسیم زیارت به دو قسم «شرعی» و «بدعی» است، درحالی که تقسیم زیارت به سه قسم هم قابل تصور است: یک قسم «زیارت شرعی»، قسم دیگر «زیارت بدعی» و قسم سوم «زیارت تبرکی» است که به قصد تبرک و دعا برای برآورده شدن حوائج نزد قبر صورت می‌گیرد. ابن تیمیه قسم دوم و سوم را یکی دانسته و هر دو را بدعی می‌داند. در نصوص دینی و سیره سلف، تبرک به قبور انبیا و صالحان یک امر مرسوم و رایج بوده است (سبکی، ۱۹۸۲، ص ۱۳۰). ابن تیمیه دلیلی برای تقسیم زیارت به دو قسم شرعی و بدعی ارائه نمی‌دهد. انحصار زیارت در دو قسم، صرفاً ادعایی است بی‌دلیل؛ زیرا همه احکام مانند نماز، روزه و زکات به دو قسم بدعی و شرعی قابل تقسیم است. علاوه بر این، در عرف متشرعه و کتب لغت، حکم و شکل زیارت قبور غیر از نماز میت است. نماز میت یک واجب کفایی و به قصد دعا برای مرده است، ولی زیارت قبور مستحب مؤکد بوده و یکی از اهداف آن تحصیل آثار تربیتی برای زائر است. در طول تاریخ، همواره مسلمانانی که به زیارت قبر پیامبر رفته‌اند آنجا را بهترین مکان برای دعا و طلب خواسته‌هایشان دانسته‌اند؛ اما از نگاه ابن تیمیه، این عمل مسلمانان بدعت و شرک است.

به طور خلاصه، در اعتقاد ابن تیمیه، زیارت قبور به سه شرط شرعی است: ۱. زائر مرد باشد، نه زن؛ ۲. سفر بدون قصد زیارت باشد؛ ۳. قصد اعتبار و موعظه در کار باشد، نه قصد تبرک و دعا و برآورده شدن حوائج.

مسجد پیامبر است، نه قبر پیامبر (ابن تیمیه، ۲۰۰۵، ج ۲۷، ص ۲۴۶ و ۲۵۳). ولی این توجیه صرفاً یک ادعای بی‌دلیل است که نیاز به اثبات دارد.

ابن تیمیه با انکار افضلیت زیارت قبر پیامبر نسبت به سایر قبرها و مکان‌ها، در دام خطایی نابخشودنی افتاده است. یکی از خطاهای ابن تیمیه هم‌رتبه و مساوی انگاشتن زیارت قبر انبیا با سایر قبور است. این تصور نوعی بی‌ادبی و کاستن از رتبه و شأن انبیا و پیامبر عزیز اسلام است. بر هیچ کس پوشیده نیست که از نشانه‌های مؤمنان تکریم و تعظیم پیامبر در حیات و ممات ایشان است. شاید برخی تصور کنند که زیارت قبور مؤمنان و تبرک جستن به آنها مستحب نیست، ولی در بین مسلمانان از صدر اسلام تاکنون هیچ کس شک ندارد که زیارت قبر پیامبر مستحب مؤکد است. به اعتبار دیگر، استحباب زیارت قبر پیامبر بین مسلمانان اجماعی است (سمهودی، ۱۴۱۹ق، ج ۴، ص ۱۸۳).

ابن تیمیه با اطلاع از روایات و سیره مسلمانان در جواز زیارت قبور و سفر برای آن و با احتمال انتقاد علما بر او، در اثبات عقیده‌اش، دست به تحریف معنوی زده است. او با تأویل مفهوم «زیارت»، آن را به دو قسم «زیارت شرعی» و «زیارت بدعی» تقسیم کرده است. «زیارت شرعی» همان دعا و سلام برای صاحب قبر است. این نوع زیارت مانند نماز میت خواندن است. ظاهراً بستن بار سفر برای چنین زیارتی مشروع است؛ زیرا اصل زیارت مشروع و مستحب است. قسم دیگر، که در اعتقاد ابن تیمیه «زیارت بدعی» است، آن است که در آن، قصد شرک به خداوند باشد. زائر به قصد افضلیت صاحب مزار و تبرک جستن به آن مکان و بزرگداشت او، در آنجا نماز و دعا بخواند و از خداوند بخواهد که

## مهم‌ترین ادله ابن تیمیه در نهی زیارت قبور توسط زنان

مستند ابن تیمیه در نهی خاص زیارت قبور توسط زنان وجود برخی روایات از پیامبر است. دو حدیث در این زمینه وارد شده است:

۱. حدیث ابوهریره که به صورت مرفوع نقل شده است که فرمودند: «لَعَنَ اللَّهُ زَوَارَاتِ الْقُبُورِ».

۲. حدیث حسان بن ثابت که به صورت مرفوع وارد شده است: «لَعَنَ رَسُولُ اللَّهِ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - زَوَارَاتِ الْقُبُورِ».

این حدیث به شکل دیگری هم از ابن عباس نقل شده است: «أَنَّ النَّبِيَّ لَعَنَ زَائِرَاتِ الْقُبُورِ وَ الْمُتَخَذِينَ عَلَيْهَا الْمَسَاجِدَ وَ السَّرْحَ». در ادامه، شکل سندی و فحوایی روایات مزبور بررسی می‌شود تا میزان اعتبار عقیده ابن تیمیه آشکار شود:

### ۱. حدیث ابوهریره

این روایت از ابوهریره به صورت مرفوع به دو لفظ «زائرات» و «زوارات» نقل شده است. عن أبي عَوَانَةَ، حَدَّثَنَا عُمَرُ بْنُ أَبِي سَلَمَةَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ: أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ (ص) قَالَ: «لَعَنَ اللَّهُ زَوَارَاتِ الْقُبُورِ» این حدیث به شش طریق از ابو عوانه نقل شده است:

۱. از طریق ابوداود از ابو عوانه (ابوداود، ۱۹۹۹، ج ۴، ص ۱۱۳، ح ۲۴۷۸):

۲. از طریق ابوکامل از ابو عوانه (بزار، ۲۰۰۹، ج ۱۵، ص ۲۳۳، ح ۱۸۶۶):

۳. از طریق قتیبة بن سعید از ابو عوانه (ترمذی، بی تا، ج ۳، ص ۳۷۱، ح ۱۰۵۶؛ ابن حبان، ۱۹۹۳، ج ۷، ص ۴۵۲، ح ۳۱۷۸):

۴. از طریق محمد بن طالب از ابو عوانه (ابن ماجه،

۲۰۰۹، ج ۲، ص ۵۱۵، ح ۱۵۷۶).

۵. از طریق موسی بن اسماعیل ابوسلمه از ابو عوانه (بیهقی، ۲۰۰۳، ج ۴، ص ۱۳۰):

۶. از طریق ابوالربیع الزهرانی و شیبان بن فروخ و ابن ابی الشوارب از ابو عوانه (ابن شاهین، ۱۹۸۸، ج ۱، ص ۲۷۳، ح ۳۰۶):

**بررسی سندی:** همه طرق شش گانه و راویانی که ذکر شدند از ابو عوانه به بعد مشترک هستند. به عبارت دیگر، ابوهریره به صورت مرفوع، حدیثی را از پدر ابوسلمه و او از ابو عوانه گزارش می‌کند. شش راوی ذکر شده روایت را از ابو عوانه نقل می‌کنند. بدین روی، حدیث مزید بر مرفوع بودنش، تا طبقه سوم جزو اخبار احاد است که استناد به آن را به چالش می‌کشد. صرف نظر از خبر واحد بودن و مرفوع بودن حدیث، سند روایت خدشه دار است. وجود افرادی همچون عمر بن ابی سلمه بن عبدالرحمان بن عوف در سند روایت آن را از اعتبار و حجیت ساقط می‌کند. منابع رجالی اهل سنت عمر بن ابی سلمه را با عبارت ذیل معرفی نموده‌اند: «و كان كثير الحديث و ليس يحتج بحديثه... كان شعبة يضعف عمر بن ابی سلمه... و قال يحيى بن معين: ضعيف... و قال ابن ابی حاتم: سألت أبی عنه، فقال: ليس بذاك القوي يكتب حديثه و لا يحتج به يخالف في بعض الشيء...» (ابن عساکر، ۱۹۹۸، ج ۴۵، ص ۷۲).

ذهبی ذیل «عمر بن ابی سلمه» می‌نویسد: «وَقَالَ النَّسَائِيُّ: لَيْسَ بِالْقَوِي. وَقَالَ ابْنُ خُزَيْمَةَ: لَا يَحْتَجُّ بِحَدِيثِهِ. وَقَالَ ابْنُ مَعِينٍ أَيْضًا: هُوَ ضَعِيفٌ. وَقَالَ أَبُو حَاتِمٍ أَيْضًا: لَا يَحْتَجُّ بِهِ» (ذهبی، بی تا، ج ۱۱، ص ۱۶۷):

البانی ذیل حدیث ابوهریره می‌نویسد: حدیث به دو لفظ وارد شده است: لفظ اول «زائرات» که به لحاظ سندی ضعیف است. اما لفظ دیگر «زوارات»؛ یعنی زنانی که در زیارت مبالغه و زیاده روی می‌کنند. بر اساس حدیث

الف. طریق ابن عباس: طریق ابن عباس به سه شکل به وسیله شعبه عبدالوارث و همام و عبدالوارث مشترکاً گزارش شده است:

۱. از طریق شعبه از محمد بن جحاده، از ابی صالح، از ابن عباس نقل شده است. این شکل را مسند احمد، مسند ابی داود، مستدرک حاکم نقل کرده‌اند. همچنین در مسند ابن الجعد (ج ۱، ص ۲۲۴، ح ۱۵۰۰)، مسند ابن ابی شیبه (ج ۲، ص ۳۷۶، ح ۷۶۳۱)، معجم الکبیر طبرانی (ج ۱۰، ص ۲۹۴، ح ۱۲۵۵۷)، المعجم ابن الاعرابی (ج ۲، ص ۱۱۹، ح ۶۱۸)، تاریخ خطیب بغدادی (ج ۸، ص ۷۰، ح ۴۱۴۸)، و مشکل الاثار طحاوی (ج ۱۲، ص ۱۷۹، ح ۴۷۴۲ و ۴۷۴۱) نقل شده است (ابوداود، ۱۹۹۹، ج ۴، ص ۴۵۴، ح ۲۸۵۶؛ حاکم، ۱۹۹۰، ج ۱، ص ۵۳۰، ح ۱۳۸۴؛ احمد بن حنبل، ۲۰۰۱، ج ۳، ص ۴۷۱، ح ۲۰۳۰؛ ج ۴، ص ۳۶۳، ح ۲۶۰۳؛ ج ۵، ص ۲۲۷ و ۱۲۸، ح ۳۱۱۸ و ۲۹۸۴).

۲. از طریق عبدالوارث از محمد بن جحاده، از ابی صالح، از ابن عباس نقل شده است. این شکل را ترمذی، ابن شاهین و ابن ماجه نقل کرده‌اند. همچنین در سنن نسائی (ج ۴، ص ۹۴، ح ۲۰۴۳) و سنن کبری (ج ۲، ص ۴۶۹، ح ۲۱۸۱) و صحیح ابن حبان (ج ۷، ص ۴۵۳، ح ۳۱۸۰) نقل شده است (ترمذی، بی تا، ج ۲، ص ۱۳۶؛ ابن شاهین، ۱۹۸۸، ج ۱، ص ۲۷۳؛ ابن ماجه، ۲۰۰۹، ج ۱، ص ۵۱۵، ح ۱۵۷۵).

۳. از طریق همام و عبدالوارث مشترکاً از محمد بن جحاده، از ابی صالح از ابن عباس نقل شده است. این شکل را بیهقی نقل کرده است (بیهقی، ۱۹۹۴، ج ۴، ص ۷۸، ح ۶۹۹۸ و ۷۴۵۷).

بررسی سندی: وجه جمع هر سه شکل این است که رجال حدیث از محمد بن جحاده مشترک است. این گونه احادیث در زمره احادیث آحاد طبقه بندی می شوند که به

«زوروا القبور فإنها تذكّر الموت»، تذکر و به یاد مر و آخرت افتادن غایتی است که موجب جواز زیارت می شود. اما مبالغه در زیارت قبور تحقق چنین غایتی را موجب نمی شود. بنابراین، خداوند مبالغه کنندگان و زنانی را که در زیارت قبور زیاده روی می کنند لعن کرده است، نه زیارت کنندگان را. به عبارت دیگر، فرق است بین کسی که به زیارت قبور می رود با کسی که در آن افراط می کند؛ اولی جایز و دومی ملعون است. این حدیث با احادیثی که اجازه عام برای زیارت می دهد در تنافی نیست؛ زیرا حدیث ابوهریره بیان می کند: زیارتی که انسان را متوجه آخرت کند مشروع است، اما از مبالغه و زیاده روی نهی شده است. «فإذا أُلحِدَ یصح بلفظ «زوارات القبور»، والمعنی هذا لا ینافی الإذن العام وإنما یخصّصه و یبین أن الزیارة التي یراد بها تذکر الآخرة فهی مشروعة، لكن الإکثار و المبالغة فهذا منهی عنه» (البانی، ۲۰۱۰، ج ۲، ص ۴۴۷ به بعد؛ ابن ماجه، ۲۰۰۹، ج ۲، ص ۵۱۵).

البانی در ادامه می نویسد: حدیث ابوهریره مقترن و جزئی از حدیثی است که در مکه از پیامبر به صورت عام وارد شده و همه مسلمانان اعم از زن و مرد را از زیارت قبور نهی نموده است: «كنت نهيتكم عن زیارة القبور، فزوروها» (مسلم، بی تا، ج ۲، ص ۶۷۲، ح ۹۷۷؛ ترمذی، بی تا، ج ۳، ص ۳۷۰، ح ۱۰۵۴). بنابراین، معنای حدیث این گونه است: ای گروه مردان و زنان، من شما را از زیارت قبور «در مکه» منع کرده بودم، و اکنون ای گروه زنان و مردان، به زیارت قبور بروید (البانی، ۲۰۱۰، ج ۲، ص ۴۴۷ به بعد).

## ۲. حدیث حسام بن ثابت

این حدیث به دو طریق از ابن عباس و حسان بن ثابت نقل شده است:

۲. از طریق الفریابی از سفیان از... ابن حسان بن ثابت (طبرانی، ۱۹۸۳، ج ۴، ص ۴۲؛ ابن شاهین، ۱۹۸۸، ج ۱، ص ۲۷۳؛ ابن عساکر، ۱۹۹۸، ج ۳۴، ص ۲۸۹)؛

۳. از طریق قبیصه و الفریابی از سفیان از... ابن حسان بن ثابت (ابن ماجه، ۲۰۰۹، ج ۲، ص ۵۱۵، ح ۱۵۷۵)؛  
۴. از طریق عبدالوارث، از سفیان از... ابن حسان بن ثابت (ابن ماجه، ۲۰۰۹، ج ۲، ص ۵۱۵، ح ۱۵۷۵)؛

۵. از طریق ابوحنیفه، از سفیان از ابن حسان بن ثابت (حاکم، ۱۹۹۰، ج ۱، ص ۵۳۰، ح ۱۳۸۵).

**بررسی سندی:** وجه جمع شکل‌های پنج‌گانه این است که از سفیان مشترک می‌شوند و همه از سفیان از ابن خثیم از ابن بهمان، از عبدالرحمن بن حسان بن ثابت به صورت مرفوع از پیامبر مشترک هستند.

مزید بر مرفوع بودن و خبر واحد بودن روایت، که خود به تنهایی دلیل محکمی بر ضعف و غیرقابل استناد بودن روایت است، وجود راویان ضعیف در سند حدیث، آن را از حجیت ساقط کرده است. یکی از رجال ضعیف و مجهول روایت عبداللّه بن عثمان بن خثیم است. ابن حجر در معرفی عبداللّه بن عثمان از عبارات ذیل استفاده کرده است: «قال ابن معین: أحادیثه لیست بالقویه... قال نسائی: ابن خثیم لیس بالقوی... أنّ علی بن المدینی قال: ابن خثیم منکر الحدیث و کان علی خلق للحدیث» (ابن حجر عسقلانی، ۱۹۸۴، ج ۵، ص ۲۷۵).

یکی دیگر از رجال حدیث عبدالرحمان بن بهمان است که در منابع رجالی، مجهول و ناآشناست. ابن ماجه فقط یک حدیث از او نقل می‌کند. تنها راوی از او عبداللّه بن عثمان بن خثیم است. «سئل علی بن المدینی عن عبدالرحمان بن بهمان، فقال: لا یعرف هذا» (ابن عساکر، ۱۹۹۸، ج ۳۴، ص ۲۸۹؛ ابن حجر عسقلانی، ۱۹۸۴، ج ۶، ص ۱۳۵؛ ذهبی، ۱۹۹۵، ج ۴، ص ۲۶۳)؛

لحاظ رتبه، نسبت به سایر احادیث اعتبار کمتری دارند. این حدیث مزید بر خبر واحد بودن آن، ضعیف هم هست؛ زیرا رجال آن قابل اعتماد نیستند. یکی از رجال آن، که منجر به ضعف حدیث و غیرقابل استناد شدن آن شده، ابوصالح مولی امّ هانی بنت ابی طالب با نام باذام یا باذان است. اعتقاد حاکم، ابوصالح قابل اطمینان نیست. به همین روی، شیخین هم به او احتجاج نکرده‌اند (حاکم، ۱۹۹۰، ج ۱، ص ۵۳۰). بزرگان اهل سنت، از جمله ابوحاتم، نسائی، عقیلی، ابن عدی، ابن حارود، ابو حامد، ابن حبان، ابوصالح را ضعیف و روایات او را غیرقابل استناد دانسته‌اند (احمد بن حنبل، ۲۰۰۱، ج ۴، ص ۳۶۴؛ ترمذی، بی تا، ج ۲، ص ۱۳۶).

متون رجالی اهل سنت چنان ابوصالح را تضعیف نموده‌اند که انکار روایات او بر هیچ شخص با انصافی پوشیده نمانده است. این منابع از روایات ابوصالح با عبارات ذیل یاد کرده‌اند: متروک الحدیث، غیرقابل احتجاج، غیرقابل اعتماد، دروغگو، کذاب، ضعیف الحدیث، انکار شده، غیرقوی و مانند آن (ابن حجر عسقلانی، ۱۹۸۴، ج ۱، ص ۳۶۴).

**ب. طریق حسان بن ثابت:** طریق حسان به پنج شکل ذیل نقل شده است:

۱. از طریق قبیصه، از سفیان از عبداللّه بن عثمان بن خثیم از عبدالرحمان بن بهمان از عبدالرحمن بن حسان بن ثابت به صورت مرفوع «لَعَنَ رَسُولُ اللَّهِ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - زَوَّارَاتِ الْقُبُورِ» نقل شده است (ابن ابی شیبّه، ۱۹۹۷، ج ۲، ص ۱۳۲، ح ۶۱۷؛ بیهقی، ۲۰۰۳، ج ۴، ص ۱۳۰، ح ۷۲۰۵؛ ابونعیم اصبهانی، ۱۹۹۸، ج ۲، ص ۸۵۱، ح ۲۲۱۸؛ ابی احمد، بی تا، ج ۴، ص ۶۴، ح ۱۸۷۴؛ شیبانی، ۱۹۹۱، ج ۴، ص ۱۱۰، ح ۲۰۷۱؛ ابن عساکر، ۱۹۹۸، ج ۳۴، ص ۲۸۹)؛

ابن حجر عسقلانی، بی تا، ج ۱، ص ۱۰۸).

دهد امر به زیارت «فزوروا» مختص مردان است در حدیث وجود ندارد. بدین روی، خارج کردن زنان از حکم ذیل حدیث تکلف و بر خلاف ظاهر نص است. ادعای نسخ ذیل حدیث: ممکن است ادعا شود این حدیث به وسیله حدیث «لعن اللّٰه زائرات القبور» نسخ شده است، با این بیان که پیامبر زیارت قبور را به صورت عام با عبارت «فزوروا» جایز دانسته‌اند، ولی بعداً به صورت خاص زنان را منع کرده‌اند. بدین روی، زیارت قبور توسط زنان همچنان نهی شده است.

این ادعا به چند دلیل نقض می‌شود:

اولاً، نسخ و تخصیص روایت بریده به وسیله روایت «لعن اللّٰه زائرات القبور» نیاز به اثبات و دلیل دارد؛ زیرا احتمال دارد حدیث بریده پس از حدیث «لعن اللّٰه...» صادره شده باشد، نه قبل از آن. دست برداشتن از عمومیت و ظاهر حدیث بریده نیازمند دلیل محکمی است.

ثانیاً، همچنان‌که در قسمت ادله/ابن تیمیه بحث شد، بر فرض اثبات چنین ادعایی، احادیث لعن غیرقابل احتجاج هستند. روایات خاص ناهی چنان دچار مشکل سندی هستند که هیچ عالم و منصفی به آنها استناد نمی‌کند.

ثالثاً، این ادعا به سیره عایشه نقض می‌شود؛ زیرا عایشه پس از وفات پیامبر هم به زیارت قبور می‌رفت (بیهقی، ۱۹۹۴، ج ۴، ص ۷۸؛ ترمذی، بی تا، ج ۳، ص ۳۷۱، ح ۱۰۵۵). سیره عایشه حکایت از آن دارد که احادیث مانع «لعن اللّٰه زائرات القبور» نسخ شده است.

به نظر می‌رسد مخاطبان ذیل حدیث بریده «فزوروا» زنان باشند؛ زیرا پیامبر به صورت خاص و صریح زنان را از زیارت منع کرده بودند، نه مردان را. روایتی که مردان را از زیارت قبور منع کرده باشد گزارش نشده است. بنابراین، همچنان‌که بسیاری از عالمان اهل سنت تصریح کرده‌اند، این حدیث در ناسخ بودن خود صراحت دارد (بغوی،

نتیجه آنکه هر سه روایت نقل شده به وسیله ابوهریره و ابن عباس و حسان بن ثابت به لحاظ سندی بسیار ضعیف و غیرقابل استناد و احتجاج است. استناد به این گونه روایات مرفوع و واحد و ضعیف، منجر به ظهور بدعت در دین می‌شود.

### ادله و مستندات مشروعیت زیارت قبور توسط زنان

ادله و مستندات بی شماری از قرآن، سنت و سیره در جواز زیارت قبور و سفر برای آن، به ویژه در استحباب مؤکد زیارت قبر شریف پیامبر و اولیا وارد شده است (ر.ک: سبحانی، ۱۳۸۸؛ سبکی، ۱۹۸۲؛ سمهودی، ۱۴۱۹ق؛ امین، ۱۳۸۷). در ادامه، صرفاً برخی از ادله که مخصوص زیارت قبور توسط زنان است، ذکر می‌گردد:

#### الف. حدیث بریده

بر اساس حدیث صحیح السندی که به وسیله بریده نقل شده است پیامبر فرمودند: «کنتُ نهیتکم عن زیارة القبور، فزوروا» (مسلم، بی تا، ج ۲، ص ۶۷۲، ح ۹۷۷؛ ترمذی، بی تا، ج ۳، ص ۳۷۰، ح ۱۰۵۴).

این حدیث از دو قسمت صدر و ذیل تشکیل شده است. در صدر حدیث «کنتُ نهیتکم عن زیارة القبور»، پیامبر به صورت عام، همه مسلمانان، اعم از زن و مرد را از زیارت قبور نهی کردند. سپس در ذیل حدیث، این حکم نسخ شده و با عبارت «فزوروا»، حکم به جواز و مشروعیت زیارت قبور به صورت مطلق، اعم از زن و مرد صادر گردیده است. مخاطبان ذیل همان مخاطبان صدر هستند. همچنان‌که ظاهر روایت بیان می‌کند، مخاطبان در صدر عام هستند، در ذیل هم عام هستند. دلیلی که نشان



برای شامل شدن زنان نیاز به دلیل منفصل و جداگانه است. ادله خاص زیارت زنان را منع می‌کند. بدین‌روی، در صورت تعارض عام و خاص، دلیل خاص بر عموم و اطلاق حدیث مقدم می‌شود.

**نقد:** همچنان‌که قبلاً اشاره شد، اولاً، تعارضی بین عام و خاص نیست. حکم نهی از زیارت قبور زنان موقت و مخصوص مکه بوده که نهی عمومی بوده، و جواز زیارت عمومی هم دایمی بوده و در مدینه صادر شده است. به بیان دیگر، موضوع از باب ناسخ و منسوخ است، نه از باب تعارض عام و خاص.

ثانیاً، جدا کردن زنان از حکم عام زیارت قبور نیاز به دلیل خاص قطعی دارد، درحالی‌که چنین دلیلی هم وجود ندارد. روایاتی که زیارت قبور زنان را منع کرده غیرقابل استناد است و شأنیت دلیل شدن ندارند تا تعارضی بین عام و خاص پیش بیاید.

ثالثاً، طبق استدلال ابن تیمیه، باید از او پرسید که با توجه به اینکه صیغه انسان مذکر است آیا خطابات قرآنی از جمله «إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ» (عصر: ۲) مخصوص مردان است؟ آیا شمول آن بر زنان نیاز به دلیل خاص دارد؟

**دلیل دوم، مستحب نبودن زیارت قبور توسط زنان:** ابن تیمیه می‌نویسد: اگر زنان داخل در خطاب حدیث «فزورواها» باشند. پس باید همانند مردان زیارت قبور شرعی برای آنها هم مستحب باشد، در صورتی‌که هیچ‌یک از ائمه مذاهب چهارگانه زیارت قبور زنان را مستحب ندانسته است و گزارشی از زیارت قبور زنان در عصر پیامبر وجود ندارد (ابن تیمیه، ۲۰۰۵، ج ۲۴، ص ۳۴۵).

**نقد:** این ادعا غیرقابل قبول است. در ادامه، به زیارت قبور زنان در عصر صحابه و دیدگاه ائمه مذاهب چهارگانه مبنی بر استحباب زیارت قبور زنان اشاره می‌گردد.

۱۹۸۳، ج ۲، ص ۴۱۷؛ ترمذی، بی تا، ج ۳، ص ۳۷۱).

برخی از محققان معاصر معتقدند: نهی پیامبر از زیارت قبور مخصوص دوران حضور پیامبر در مکه است که بیشتر مردم مشرک بودند و مسلمان که در اقلیت قرار داشتند به زیارت قبور اقوام مشرک خود می‌رفتند. بدین‌روی، پیامبر همه مسلمانان را از زیارت قبور منع فرمودند. سپس در مدینه با قدرت یافتن مسلمانان و گسترش توحید، مقابر مسلمانان هم گسترش پیدا کرد و پیامبر حکم به جواز زیارت قبور دادند. ظاهر حدیث مؤید و گویای این مطلب است که زیارت قبور در یک عصر ممنوع بوده و سپس جایز شده است (البانی، ۲۰۱۰، ج ۲، ص ۴۴۷ به بعد).

با این بیان، مشخص می‌گردد روایاتی که زیارت قبور زنان را لعن و حرام می‌داند «لعن الله زائرات القبور» در اثناى تحریم وارد شده و مخصوص زمان اول «زمان منسوخ» است. به راستی، اگر زنان خارج از حکم فقره دوم «اباحه زیارت» باشند استثنای زنان می‌بایست بیان می‌شد و روایت به شکل ذیل صادر می‌شد: «كنت نهيتكم عن زيارة القبور، إلا فزورها إلا النساء».

**تحلیل ابن تیمیه مبنی بر خروج زنان از عمومیت حدیث:** ابن تیمیه ذیل حدیث «كُنْتُ نَهَيْتُكُمْ عَنْ زِيَارَةِ الْقُبُورِ فَزُورُوهَا، فَإِنَّهَا تُدَكِّرُكُمْ الْآخِرَةَ» می‌نویسد: زیارت قبور توسط زنان داخل در عمومیت حدیث نمی‌شود. به بیان دیگر، حدیث مخصوص مردان است، نه زنان: «وَالصَّحِيحُ أَنَّ النِّسَاءَ لَمْ يَدْخُلْنَ فِي الْإِذْنِ فِي زِيَارَةِ الْقُبُورِ». ابن تیمیه برای این ادعا، چند دلیل ذکر می‌کند که همه مخدوش و ضعیف هستند:

**دلیل اول، مذکر بودن صیغه «فزورواها»:** ابن تیمیه ذیل این دلیل می‌نویسد: صیغه «فَزُورُوهَا» مذکر است و بالوضع، مخصوص مردان و با تغلیب شامل زنان می‌شود.

فزوروها» هم خارج می‌شوند. از این رو، نه زیارت قبور برای زنان جایز است و نه تشییع جنازه.

**نقد:** بر اساس حدیث صحیح‌السندی از ابوه‌ریره، پیامبر فرمودند: هرکس بر جنازه‌ای نماز میت بخواند خداوند یک قیراط به او پاداش می‌دهد، ولی هرکس در تشییع جنازه‌ای شرکت کند خداوند به او دو قیراط پاداش می‌دهد. هر قیراط معادل یک کوه احد است. «من صلی علی جنازة فله قیراط و من اتبعها حتی توضع فی القبر فله قیراطان». قال: قلت یا اباهریره: و ما القیراط: قال: مثل أحد» (مسلم، بی‌تا، ج ۲، ص ۶۵۲؛ احمد بن حنبل، ۲۰۰۱، ج ۸، ص ۲۰؛ بیهقی، ۱۹۹۴، ج ۳، ص ۴۱۲؛ حاکم، ۱۹۹۰، ج ۳، ص ۵۸۴؛ ترمذی، بی‌تا، ج ۳، ص ۳۵۸). این حدیث صحیح‌السند در کتب صحاح‌سته اهل سنت و همه کتب روایی صحیح، مسندها و سنن‌ها به طرق و اشکال گوناگون ذکر شده است. حدیث جزو روایات متواتر بوده و صحت آن قطعی است. خطاب این حدیث عام است و شامل زنان و مردان می‌شود. بر اساس این حدیث، مزید بر نماز میت خواندن بر جنازه، تشییع جنازه هم برای زنان جایز است، ضمن آنکه به نص حدیث، ارزش و ثواب تشییع جنازه به مراتب بیش از نماز میت خواندن است. بنابراین، طبق این حدیث صحیح‌السند، هم نماز میت خواندن بر جنازه، هم زیارت قبور و هم تشییع جنازه برای زنان جایز است.

#### حدیث «زوروا القبور فانها تذكرو الموت»

در حدیث صحیح‌السندی پیامبر پس از زیارت قبر مادرشان آمنه و گریه برای آن فرمودند: «زوروا القبور فانها تذكرو الموت» (مسلم، بی‌تا، ج ۲، ص ۶۷۱، ح ۹۷۶). این حدیث هم از دو قسمت صدر و ذیل تشکیل شده است. در صدر حدیث، پیامبر به صورت عام، به همه

دلیل سوم، هم‌رتبه انگاشتن زیارت قبور با نماز میت و تشییع جنازه: نماز بر میت مهم‌تر است و تأکید بیشتری بر زیارت قبور دارد. حال که پیامبر زنان را از تشییع جنازه منع کرده‌اند. لازمه آن فوت شدن نماز میت برای زنان است. پس وقتی نماز میت برای آنها مستحب نیست به طریق اولی، زیارت قبور هم جایز نخواهد بود.

**نقد:** این قیاس مع‌الفارق است. تعمیم حکم تشییع جنازه زنان به زیارت قبور توسط زنان محل تأمل است؛ زیرا: اولاً، اقامه نماز میت یک واجب کفایی است، درحالی‌که زیارت قبور مستحب و دارای آثار تربیتی برای زندگان است. به عبارت دیگر، مردگان نیازمند نماز میت و دعا، اما زندگان نیازمند زیارت قبور و یادآوری آخرت هستند. ثانیاً، این ادعای ابن‌تیمیه، که تشییع جنازه برای زنان جایز نیست، مخصوص ابن‌تیمیه و وهابی‌هاست. این ادعا ابتدا باید اثبات و سپس به آن استناد گردد. عمومیت روایاتی که قبلاً مطرح شد ناقض ادعای ابن‌تیمیه است. ضمن آنکه سیره مسلمین از صدر اسلام تاکنون بر این منوال بوده که زنان به زیارت قبور می‌روند. انکار این سیره نیاز به دلیل دارد.

ثالثاً، بر فرض ممنوع بودن تشییع جنازه، این موضوع هیچ ربطی به منع زیارت قبور ندارد. منع تشییع جنازه یک مسئله است و زیارت قبور مسئله‌ای دیگر. اینها دو موضوع جدای از هم هستند.

رابعاً استنباط حکمی از لوازم بعید حکم دیگر به لحاظ اصولی مردود است.

**دلیل چهارم: قیاس اولویت منع زنان از تشییع جنازه:** به اعتقاد ابن‌تیمیه، تشییع جنازه و زیارت قبور از یک جنس هستند. تشییع جنازه برای زنان جایز نیست؛ همچنان‌که زنان از عمومیت تشییع جنازه خارج هستند، به طریق اولی، از عمومیت حدیث «كنت نهيتكم عن زيارة القبور

وجود دارد. علاوه بر این، ابن تیمیه و اتباع او باید به این سؤال پاسخ دهند که اگر زنی حدود و ضوابط شرعی را رعایت کند آیا می‌تواند به زیارت قبور برود؟

### ۳. حدیث عایشه

بر اساس حدیث صحیح‌السندی وقتی عایشه از زیارت قبر برادرش عبدالرحمان برمی‌گشت، از او پرسیده شد که پیامبر زیارت قبور را منع کرده‌اند؟ عایشه جواب داد: پیامبر قبلاً نهی فرموده بودند و سپس اجازه دادند. حدیث عایشه صراحت در نسخ حکم نهی دارد (بیهقی، ۱۹۹۴، ج ۴، ص ۷۸؛ ترمذی، بی‌تا، ج ۳، ص ۳۷۱، ح ۱۰۵۵).

### ۴. حدیث انس بن مالک

بر اساس حدیث صحیح‌السندی که به وسیله انس بن مالک نقل شده و بخاری آن را سرآغاز باب زیارت قبور قرار داده است، پیامبر به زنی برخورد کردند که مشغول گریه و زاری بر سر قبر فرزندش بود. او را دلداری دادند، ولی نهی نکردند. در این حدیث، پیامبر آن زن را به خاطر زیارت قبور منع نکردند. سکوت و نهی نکردن پیامبر دلیل جواز و معروف بودن زیارت قبور توسط زنان است؛ زیرا اگر این عمل جزو منکرات بود، می‌بایست پیامبر نهی از منکر می‌کردند (بیهقی، ۱۹۹۴، ج ۴، ص ۶۵، ح ۶۹۱۹؛ ج ۱۰، ص ۱۰۱، ح ۲۰۰۴۳؛ بخاری، ۱۴۲۲ق، ج ۲، ص ۷۳ و ۷۹، ح ۱۲۸۳؛ ج ۹، ص ۶۵؛ مسلم، بی‌تا، ج ۲، ص ۶۷۳، ح ۹۲۶).

### ۵. سیره حضرت زهرا علیها السلام

منابع روایی اهل سنت از امام سجاد علیه السلام نقل کرده‌اند که حضرت زهرا علیها السلام هر هفته جمعه‌ها به زیارت قبر حضرت حمزه علیه السلام می‌رفتند و در کنار قبر ایشان، به نماز و گریه مشغول می‌شدند. حاکم با ثقه دانستن راویان

مسلمانان، اعم از زن و مرد با عبارت «زوروا القبور» امر می‌کنند که به زیارت قبور بروند. در ذیل حدیث، پیامبر حکمت و علت امر به زیارت قبور را با عبارت «فإنها تذکر الموت» بیان می‌کنند. این حکمت هم عام و شامل زنان و مردان می‌شود. به بیان دیگر، مصلحتی که زیارت قبور را برای مردان جایز می‌شمارد، همان را برای زنان هم جایز می‌داند (البانی، ۲۰۱۰، ج ۲، ص ۴۴۷ به بعد).

همچنان‌که اشاره شد، ابن تیمیه مخالف مطلق زیارت قبور برای مردان و زنان است. او در توجیه سیره عایشه در زیارت قبور (ترمذی، بی‌تا، ج ۳، ص ۳۷۱، ح ۱۰۵۵) می‌نویسد: پیامبر حکمت و علت جواز زیارت قبور برای مردان را یادآوری مر «فإنها تذکر الموت» بیان کرده‌اند؛ ولی این حکمت برای زنان نیست؛ زیرا آنها ناصبور و بی‌طاقت، اهل جزع و فزع و ناله هستند و موجب آزار مرده و زنده می‌گردند. مردان نامحرم صدای آنها را می‌شنوند، صورت آنها را می‌بینند، و در گناه می‌افتند. بنابراین، از باب قاعده «سد ذرایع» (مسدود کردن وسایل و ابزار شرک و گناه)، زیارت قبور برای زنان حرام است؛ همچنان‌که نگاه به زینت زنان و خلوت با آنها حرام است. علاوه بر آن، زنان می‌توانند در خانه برای اموات دعا کنند (ابن تیمیه، ۱۹۸۷، ج ۳، ص ۴۲-۶۰).

سخیف بودن این استدلال در نهی زیارت قبور توسط زنان بر کسی پوشیده نیست. واقعاً چرا باید زنان از این حکمت محروم باشند؟ مگر آنها چه تفاوتی با مردان دارند که باید از حکمت به یاد آخرت بودن محروم شوند؟ اگر ترس از فتنه و به گناه افتادن مردان و یا کشف حجاب و بالا رفتن صدا و شنیدن نامحرم علت و حکمت نهی زنان از زیارت قبور است، پس زنان باید زندانی در خانه‌های خود باشند؛ زیرا در هر شغل یا مشارکت اجتماعی، اقتصادی یا سیاسی، احتمال به گناه افتادن آنها

حدیث، آن را در طبقه احادیث صحیح الاسناد قرار داده است (حاکم، ۱۹۹۰، ج ۱، ص ۵۳۳؛ ج ۳، ص ۳۰؛ بیهقی، ۱۹۹۴، ج ۴، ص ۷۸). بر اساس این حدیث، ضمن مشروع بودن زیارت قبور برای زنان، گریه و نماز در مقبره هم برایشان بلاشکال است.

### ۶. آثار تربیتی و حکمت زیارت قبور

دلیل و حکمتی که ذیل روایت «زوروا القبور فإنها تذكرو الموت» نقل شده عام و مشترک بین زنان و مردان است. اگر اثر تربیتی زیارت قبور این است که انسان را به یاد آخرت می‌اندازد چرا این حکمت و تأثیر مختص مردان باشد؟ آیا زنان نباید به یاد آخرت بیفتند؟ زنان به مراتب بیش از مردان در معرض گناه و محتاج‌تر هستند که به زیارت قبور بروند و به یاد آخرت باشند. زنان عاطفی‌تر و کم‌صبرتر از مردان هستند. بدین‌روی، رفتن به زیارت قبور عزیزانشان تسکینی بر دردهای آنها خواهد بود.

آیت‌الله مکارم شیرازی درباره آثار تربیتی زیارت قبور می‌نویسد: احترام به قبور گذشتگان - به‌ویژه قبور بزرگان - سابقه‌ای طولانی دارد. از هزاران سال پیش، مردم جهان امواتشان را گرامی می‌داشتند، و به قبور آنها - بخصوص بزرگانشان - احترام می‌گذاشتند. فلسفه و آثار مثبت این کار بسیار است:

نخستین فایده بزرگداشت گذشتگان نگه‌داری حرمت این عزیزان است. قدرشناسی از آنان یکی از نشانه‌های عزت و شرف انسانی، و سبب تشویق جوانان به پیمودن راه آنهاست.

دومین اثر گرفتن درس‌های عبرت از قبور خاموش، اما گویای آنها و زدودن زنگار غفلت از آینه قلب انسان و بیداری و هشیاری در برابر زرق و برق تخدیرکننده دنیا، و کاستن از سیطره هوا و هوس‌هاست، و به تعبیر امیرمؤمنان

علی علیه السلام مردگان بهترین واعظانند.

سوم تسلی خاطر بازماندگان است؛ زیرا مردم در کنار قبور عزیزان خود، آرامش بیشتری احساس می‌کنند. گویی در کنار آنها هستند و این زیارت‌ها از شدت آلام آنها می‌کاهد. به همین دلیل سبب، حتی برای آنها که مفقودالایر هستند، شبه قبری درست می‌کنند و در کنار آن به یادشان هستند.

چهارم اینکه بزرگ شمردن قبور بزرگان پیشین یکی از راه‌های حفظ میراث فرهنگی هر قوم و ملت است، و اقوام روزگار به فرهنگ کهن خود زنده‌اند. مسلمانان جهان فرهنگ غنی و عظیمی دارند که بخش مهمی از آن در قبور و آرامگاه‌های شهدا و علمای بزرگ و پیشروان علم و فرهنگ و به‌ویژه در مشاهد پیشوایان بزرگ دین نهفته است. حفظ و یادآوری و بزرگداشت آنها سبب حفظ اسلام و سنت پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله است.

چه بی‌سلیقه هستند کسانی که آثار پرافتخار بزرگان اسلام را در مکه و مدینه و بعضی مناطق دیگر از میان بردند و جامعه اسلامی را گرفتار خسارت عظیمی کردند. متأسفانه سلفی‌های نادان و عقب‌افتاده به بهانه‌های واهی، ضربات سنگینی از این طریق بر پیکر میراث فرهنگی اسلام وارد آوردند که جبران آن ممکن نیست.

پنجمین اثر اینکه زیارت قبور پیشوایان بزرگ دین و تقاضای شفاعت در پیشگاه خدا از آنان، که آمیخته با توبه و انابه به درگاه الهی است، اثر معنوی فوق‌العاده‌ای در تربیت نفوس و پرورش اخلاق و ایمان دارد و بسیاری از گنه‌کاران آلوده در جوار بارگاه ملکوتی آنان توبه کرده و می‌کنند و برای همیشه اصلاح می‌شوند و صالحان نیز به مقام‌های بالاتری از صلاح می‌رسند.

زنان به خاطر عواطف رقیق‌تری که دارند نیاز بیشتری به زیارت قبور عزیزان خود پیدا می‌کنند تا تسلی خاطر

تجدید حزن و گریه باشد. ولی اگر زیارت قبور برای زنان موجب عبرت‌گیری و ترحم یا تبرک به قبور صالحان باشد اشکالی ندارد.

ب. لعن مخصوص وضعیتی است که مفسده‌ای برای زیارت زنان باشد؛ از جمله تبدیل قبور برای مسجد. ج. روایت لعن و نهی زیارت قبور زنان ضعیف است و به وسیله روایات دیگر و سیره نسخ می‌شود؛ همچنان‌که به سیره حضرت زهرا علیها السلام و عایشه اشاره شد (ملطی حنفی، بی‌تا، ج ۱، ص ۱۸؛ طحاوی حنفی، ۱۳۱۸ق، ج ۱، ص ۴۰۹-۴۱۳؛ ابن‌عابدین، ۱۹۹۲، ج ۶، ص ۳۶۳).

#### ۲. دیدگاه مالکی‌ها

به اعتقاد ابن‌عبدالبر مالکی، زیارت قبور زنان بلاشکال است. به اعتقاد ابن‌عبدالبر، روایاتی که زیارت قبور را نهی می‌کند منسوخ شده است. ابن‌عبدالبر سیره حضرت زهرا علیها السلام و عایشه را دلیلی بر مدعای خود می‌داند (ابن‌عبدالبر، ۱۳۸۷ق، ج ۳، ص ۲۳۰-۲۳۵).

#### ۳. دیدگاه شافعی‌ها

فقهای شافعی زیارت قبور، به‌ویژه زیارت قبر شریف رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و سایر انبیا، شهدا و صالحان را برای زنان جایز و زیارت قبر پیامبر را از بالاترین مقربات می‌دانند «يُنْدَبُ لَهُنَّ زِيَارَةُ قَبْرِ رَسُولِ اللَّهِ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - فَإِنَّهَا مِنْ أَعْظَمِ الْقُرْبَاتِ وَيَتَّبَعِي أَنْ يُلْحَقَ بِذَلِكَ بَقِيَّةُ الْأَنْبِيَاءِ وَالصَّالِحِينَ وَالشُّهَدَاءِ» (شریبینی، بی‌تا - الف، ج ۱، ص ۲۰۸؛ بجیرمی، ۱۹۹۶، ج ۲، ص ۵۷۲؛ ابن‌حجر هیتمی، ۱۹۸۳، ج ۳، ص ۲۰۰؛ شریبینی، بی‌تا - ب، ج ۱، ص ۳۶۵). فقهای شافعی بر اساس حدیث «لعن زوَّارات القبور»، کراهت زیارت قبور زنان را مخصوص شرایطی می‌دانند که زنان بر حسب عادت، نوحه‌گری کنند و صدای خود را

یابند، و تجربه نشان داده است که نسبت به زیارت قبور اولیاء الله نیز علاقه بیشتری دارند.

اما متأسفانه گروه وهابیان افراطی به خاطر حدیثی مشکوک، زنان را به شدت از زیارت این قبور باز می‌دارند و حتی در افواه عوام آنها در جنوب ایران مشهور است: زنی که بر سر قبری حاضر شود، میت آن زن را به صورت برهنه مادرزاد می‌بیند! (مکارم شیرازی، ۱۴۲۸ق، ص ۹۰).

#### دیدگاه مذاهب چهارگانه اهل سنت درباره زیارت قبور توسط زنان

عقیده ابن‌تیمیه در باب زیارت قبور زنان، مزید بر اینکه مقبول مذاهب چهارگانه اهل سنت نیست، مورد انتقاد مریدان خود او هم واقع شده است. البسانی، از صاحب‌نظران وهابی معاصر، در مخالفت با این عقیده ابن‌تیمیه، می‌نویسد: نزد ما بین زنان و مردان در مشروعیت زیارت قبور فرقی نیست. همچنان‌که ابن‌تیمیه زیارت را به دو قسم «شرعی» و «بدعی» تقسیم می‌کند، زیارت شرعی، هم برای زنان جایز است و هم برای مردان. زیارت بدعی هم نه برای زنان جایز است و نه برای مردان (البانی، ۲۰۱۰، ج ۲، ص ۴۴۷ به بعد). در ادامه، اشاره به دیدگاه ائمه مذاهب چهارگانه اهل سنت می‌تواند زاویه اختلاف فتوای ابن‌تیمیه را با اجماع مسلمانان آشکار کند.

#### ۱. دیدگاه حنفی‌ها

فقهای حنفی قایل به جواز زیارت قبور برای زنان هستند: «وَالْأَصَحُّ أَنَّ الرُّخْصَةَ ثَابِتَةٌ لَهُنَّ بِحُرِّ» (سرخسی، ۲۰۰۰، ج ۲۴، ص ۱۸؛ ابن‌عابدین، ۱۹۹۲، ج ۶، ص ۳۶۳). حنفی‌ها در توجیه و تأویل روایتی که زیارت قبور زنان را منع می‌کند چند احتمال می‌دهند:

الف. منع در جایی است که حضور زنان موجب

### نتیجه‌گیری

بررسی و فحص کامل در منابع اهل تسنن ما را به این نتیجه رهنمون می‌سازد که اولاً، زیارت قبور زنان مشروع و صحیح است و ادله نقلی کافی و غیرقابل خدشه‌ای، از قرآن و سنت و سیره صحابه این موضوع را تأیید و تأکید می‌کند که سلفی‌ها و تکفیری‌ها را با چالش جدی مواجه ساخته و ضعیف و غیرمعتبر بودن ادله ادعایی آنان را به وضوح آشکار می‌سازد. ثانیاً، ائمه مذاهب چهارگانه اهل سنت و همچنین فقیهان و بزرگان اهل سنت از مذاهب حنفی، شافعی و مالکی و حنبلی با این گروه تندرو، هم‌داستان نبوده و حکم به جواز زیارت قبور داده‌اند. بنابراین، عمل گروه‌های افراطی مانند وهابی‌ها، سلفی‌ها و تکفیری‌ها در مشرکان خواندن زائران و ممنوع کردن زنان از زیارت قبور پیامبران و اولیای الهی فاقد مستند شرعی است و بدعتی نابخشودنی و خرافه در عصر حاضر محسوب می‌گردد.

بالا ببرند، اگرچه زیارت قبر شریف پیامبر را مستحبی موکد و استثنایی بر این کراهت می‌دانند (انصاری، ۲۰۰۰، ج ۱، ص ۳۲۲؛ دمیاطی، بی‌تا، ج ۲، ص ۳۵۸).

### ۴. دیدگاه حنبلی‌ها

درباره مسئله زیارت قبور توسط زنان، بین فقهای حنبلی دو دیدگاه جواز و دیدگاه کراهت وجود دارد.

دیدگاه اول که قول جمهور فقهای حنفی، مالکی و شافعی و یک قول از احمد و برخی از پیروان اوست، زیارت قبور توسط زنان را مانند مردان مشروع و جایز می‌داند. مستند این دیدگاه عمومیت روایات مجوزّه و سیره عایشه است. اما مستند دیدگاه دوم و قایلان به کراهت یک مسئله اصولی است که معتقد امر بعد از نهی ظهور در کراهت دارد. برای مثال، در حدیث «كنت نهيتكم عن زيارة القبور فزوروها»، صیغه امر «فزوروها» پس از صیغه نهی «نهيتكم» آمده است که این امر حکم حرمت را نسخ می‌کند، ولی حکم کراهت زیارت همچنان باقی است. دلیل دیگر آنها این است که زنان صبور نیستند و احتمال اینکه دست به اقدام برخی از محرمات بزنند، وجود دارد (کلوذانی، ۲۰۰۴، ج ۱، ص ۱۲۳؛ ابن قدامه، ۱۹۹۴، ج ۱، ص ۳۷۶؛ ابن قدامه الجماعلی، بی‌تا، ج ۲، ص ۴۲۷؛ بهوتی، ۱۴۰۲ق، ج ۱، ص ۱۹۳).

اگرچه به‌زعم برخی از فقهای حنبلی زیارت قبور توسط زنان مکروه است، ولی گفتنی است که این کراهت برای غیر از زیارت پیامبر و شیخین است که حتی در صورت ترس از فعل حرام هم جایز و بلکه مستحب است (بهوتی، ۱۴۰۲ق، ج ۲، ص ۱۵۰؛ بهوتی، ۱۴۰۲ق، ج ۱، ص ۳۸۳؛ بعلی، ۲۰۰۲، ج ۱، ص ۲۳۹؛ بعلی، ۱۹۹۷، ج ۱، ص ۵۶؛ رحیبانی، ۱۹۶۱، ج ۱، ص ۹۳۱؛ ابن ضویان، ۱۹۸۹، ج ۱، ص ۱۷۹).

عادل بن يوسف العزازي، رياض، دارالوطن.  
 احمد بن حنبل، ابو عبد الله، ٢٠٠١، **مسند الامام احمد بن حنبل**،  
 بيروت، مؤسسة الرسالة.  
 امين، سيد محسن، ١٣٨٧، **كشف الارتياح**، ترجمة فائزي پور  
 (تاريخ و نقد و هابيت)، قم، مطبوعات ديني.  
 انصاري، زكريا، ٢٠٠٠، **أسنى المطالب في شرح روض الطالب**،  
 تحقيق د. محمد محمد تامر، بيروت، دارالكتب العلمية.  
 باني، ناصر الدين، ٢٠١٠، **موسوعة ناصر الدين الالباني**، صنعاء،  
 مركز النعمان للبحوث والدراسات الاسلاميه.  
 بجيرمي، سليمان بن محمد، ١٩٩٦، **تحفة الحبيب على**  
**شرح الخطيب**، بيروت، دارالكتب العلمية.  
 بخاري، محمد بن اسماعيل، ١٤٢٢ق، **صحيح البخاري**، تحقيق  
 محمد زهير بن ناصر الناصر، دار طوق النجاة.  
 بزار، احمد بن عمرو، ٢٠٠٩، **مسند البزار المنشور باسم**  
**البحر الزخار**، تحقيق عادل بن سعد، مدينه، مكتبة العلوم  
 والحكم.  
 بعلي، عبدالرحمن بن عبد الله بن احمد، ١٩٩٧، **بداية العابد و**  
**كفاية الزاهد**، تحقيق محمد بن ناصر العجمي، بيروت، دار  
 البشائر الاسلاميه.  
 —، ٢٠٠٢، **كشف المخدرات و الرياض المزهرات**، بيروت، دار  
 البشائر الاسلاميه.  
 بغوي، حسين بن مسعود، ١٩٨٣، **محيي السنه**، تحقيق شعيب  
 الارنؤوط و محمد زهير الشاويش، بيروت، المكتبة الاسلاميه.  
 بهوتي، منصور بن يونس، ١٤٠٢ق، **كشاف القناع عن متن الاقناع**،  
 تحقيق مصطفى هلال، بيروت، دارالفكر.  
 بيهقي، احمد بن حسين، ٢٠٠٣، **السنن الكبرى**، تحقيق محمد  
 عبدالقادر عطا، بيروت، دارالكتب العلمية.  
 —، ١٩٩٤، **سنن البيهقي الكبرى**، تحقيق محمد عبدالقادر عطا،  
 مکه، دارالباز.  
 ترمذي، محمد بن عيسى، بي تا، **سنن الترمذي**، تحقيق احمد محمد  
 شاكر و آخرون، بيروت، داراحياء التراث العربي.  
 حاكم، محمد بن عبد الله نيشابوري، ١٩٩٠، **المستدرک على**  
**الصحيحين**، تحقيق مصطفى عبدالقادر عطا، بيروت،  
 دارالكتب.  
 دمياطی، ابى بكر بن السيد، بي تا، **حاشية إعانة الطالبين على حل**  
**الفاظ فتح المعين**، بيروت، دارالفكر.

## منابع .....

ابن ابى شيبه، ابوبكر بن ابى شيبه، ١٩٩٧، **مسند ابن ابى شيبه**، تحقيق  
 عادل بن يوسف العزازي و احمد بن فريد المزيدي، رياض،  
 دارالوطن.  
 ابن تيميه، تقى الدين ابو العباس احمد بن عبد الحلیم، ١٤١٠ق،  
**زيارة القبور و الاستنجا بالمقبور**، رياض، ادارة العامة للطبع.  
 —، ٢٠٠٥، **مجموع الفتاوى**، تحقيق انور الباز و عامر الجزائر،  
 بي جا، دارالوفاء.  
 ابن حبان، محمد بن حبان، ١٩٩٣، **صحيح ابن حبان**، تحقيق  
 الارنؤوط، ج دوم، بيروت، مؤسسة الرسالة.  
 ابن حجر عسقلاني، احمد بن علي، بي تا، **تبصير المنتبه بتحرير**  
**المشتمه**، تحقيق محمد علي النجار، بيروت، المكتبة العلمية.  
 —، ١٩٨٤، **تهذيب التهذيب**، بيروت، دارالفكر.  
 ابن حجر هيثمي، احمد بن محمد، ١٩٨٣، **تحفة المحتاج في**  
**شرح المنهاج**، تصحيح جنة من العلماء، مصر، المكتبة التجارية  
 الكبرى.  
 ابن شاهين، عمر بن احمد بن عثمان، ١٩٨٨ **ناسخ الحديث و**  
**منسوخه**، تحقيق سمير بن امين الزهيرى، بيروت، مكتبة المنار.  
 ابن ضويان، ابراهيم بن محمد بن سالم، ١٩٨٩، **منار السبيل في شرح**  
**الدليل**، تحقيق زهير الشاويش، ج هفتم، بيروت،  
 المكتبة الاسلاميه.  
 ابن عابدين، محمد امين بن عمر، ١٩٩٢، **رد المحتار على**  
**الدر المختار**، ج دوم، بيروت، دارالفكر.  
 ابن عبد البر النمري القرطبي، ابو عمر يوسف بن عبد الله بن محمد،  
 ١٣٨٧ق، **التمهيد لما في الموطأ**، تحقيق العلوي و البكري،  
 مغرب، وزارت عموم الأوقاف.  
 ابن عساکر، علي بن حسن، ١٩٩٨، **تاريخ دمشق**، تحقيق علي شيري،  
 بيروت، دارالفكر.  
 ابن قدامه، موفق الدين عبد الله بن احمد، ١٩٩٤، **الكافي في فقه**  
**الامام احمد**، بيروت، دارالكتب العلمية.  
 ابن ماجه، ابو عبد الله محمد بن يزيد، ٢٠٠٩، **سنن ابن ماجه**، تحقيق  
 الارنؤوط، عادل مرشد، محمد كامل قره بللي، عبداللطيف  
 حرز الله، بيروت، الرسالة العالمية.  
 ابوداود طيالسي، سليمان بن داود، ١٩٩٩، **مسند أبوداود**، تحقيق  
 محمد بن عبد المحسن التركي، مصر، دار هجر.  
 ابو نعيم اصبهاني، احمد بن عبد الله، ١٩٩٨، **معرفة الصحابة**، تحقيق

ذهبی، شمس‌الدین محمدبن احمد، بی تا، **سیر اعلام النبلاء**، تحقیق مجموعه محققین بإشراف شعیب الارناؤوط، بیروت، مؤسسة الرساله.

—، ١٩٩٥، **میزان الاعتدال فی نقد الرجال**، تحقیق علی محمد، معوض و الشیخ عادل احمد عبدالموجود، بیروت، دارالکتب. رجبانی، مصطفی السیوطی، ١٩٦١، **مطالب اولی النهی فی شرح غایة المنتهی**، بیروت، المکتب الاسلامی.

سبحانی، جعفر، ١٣٨٨، **آیین وها بیت**، تهران، مشعر. سبکی، علی بن عبدالکافی نقی الدین، ١٩٨٢، **شفاء السقام**، دائرة المعارف العثمانی، ج سوم، حیدرآباد دکن هند.

سرخسی، شمس‌الدین ابوبکر محمدبن ابی سهل، ٢٠٠٠، **المبسوط للسرخسی**، تحقیق خلیل محی الدین المیس، بیروت، دارالفکر. سمهودی، علی بن عبداللّه، ١٤١٩ق، **وفساء الوفساء باخبار دارالمصطفی**، بیروت، دارالکتب العلمیه.

شربینی، شمس‌الدین محمدبن احمد، بی تا - الف، **الإقناع فی حل الفاظ ابی شعاع**، تحقیق مکتب البحوث والدراسات، بیروت، دارالفکر.

—، بی تا - ب، **معنی المحتاج إلى معرفة معانی الفاظ المنهاج**، بیروت، دارالفکر.

شیبانی، احمدبن عمر، ١٩٩١، **الآحاد والمثانی**، تحقیق د. باسم فیصل احمد الجوابرة ریاض، بیروت، دارالرساله.

طبرانی، سلیمان بن احمد بن ایوب، ١٩٨٣، **المعجم الكبير**، تحقیق حمدی بن عبدالمجید السلفی، ج دوم، موصل، مکتبه العلوم والحکم.

طحاوی، احمد بن محمد بن اسماعیل، ١٣١٨ق، **حاشیة علی مراقی الفلاح شرح نور الايضاح**، مصر، المطبعة الكبرى الامیریه.

کلوذانی، محفوظ بن احمد بن الحسین، ٢٠٠٤، **الهدایة علی مذهب الامام ابی عبداللّه احمد بن محمد بن حنبل الشیبانی**، تحقیق عبداللطیف همیم و ماهر یاسین الفحل، بی جا، مؤسسة غراس للنشر و التوزیع.

لائوست، هنری، ١٣٨٤، **مدخل ابن تیمیه**، در: **دانشنامه ایران و اسلام و ابوزهره**، بی جا، بی نا.

مسلم بن حجاج، ابوالحسین، بی تا، **صحیح مسلم**، تحقیق عبدالباقی، بیروت، داراحیاء التراث العربی.

مکارم شیرازی، ناصر، ١٤٢٨ق، **شیعه پاسخ می دهد**، قم، ج هشتم، مدرسه امام علی بن ابیطالب.